دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقه
زن و خانواده
سال چهارم، شماره هفتم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

نقش قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل زوجین

معصومه نفیسی راد[۱]

چکیده

برقراری رابطه زوجیت، حقوق و تکالیفی را برای هر یک از زوجین به همراه دارد. در اکثر مواقع، استیفای حقوق زوجین مزاحمتی برای طرف مقابل ندارد، اما گاهی این حقوق در تزاحم قرار می‌گیرند. تزاحم، اصطلاحی فقهی و حقوقی ناظر به تقابل دو حق یا دو حکم شرعی در مرحله عمل است. یکی از قواعد مهم فقهی در جهت رفع این تزاحم، قاعده لاضرر است. براساس این قاعده، اگر وضع حکم یا اجرای حقی منجر به ورود ضرر به یکی از زوجین شود، حکم اولیه از طریق تضییق یا تخصیص نفی، و حکمی که مانع اضرار است، جایگزین می‌شود. در این پژوهش، با روش توصیفی ـ تحلیلی و به‌شیوه کتابخانه‌ای به بررسی نقش قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل زوجین پرداخته شده و مصادیقی از حقوق متقابل زوجین اعم از حقوق متقابل اجتماعی، اقتصادی و اختصاصی مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با توجه به اینکه در تزاحم، قاعده الاهم فلاهم اجرا می‌شود، در موارد تزاحم حقوق متقابل زوجین، مانند تزاحم حق اشتغال زوجه و حق تمکین زوج یا حق ریاست زوج و حق خروج زوجه، با تمسک به قاعده لاضرر، حقی که اهم است، مقدم و ترجیح داده می‌شود. لذا می‌توان از قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل زوجین در راستای تحکیم و تداوم بنیان خانواده و جلوگیری از ضرر و اضرار استفاده نمود.

واژگان کلیدی: قاعده لاضرر، تزاحم، مصادیق تزاحم، حقوق زوجین، رفع ضرر، تعارض، حقوق خانواده.

---

۱. پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی و دانش‌پژوه سطح چهار فقه خانواده جامعة الزهراء ﷺ، قم، ایران؛
mnafisirad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

۱. مقدمه

قاعـده لاضـرر یکـی از قواعـد مهـم و پرکاربرد فقهی اسـت که در بسـیاری از ابـواب فقه اسـتفاده می‌شـود. دین اسلام در راستای تعالی نهاد مقدس خانواده، حقوق و تکالیفی را بر عهده اعضای آن نهاده و مفهوم و حدود آن را تبیین نموده اسـت. زوجین به‌عنوان پایه‌گـذاران خانـواده، در جهـت حفظ و اسـتحکام بنیان خانواده و جلوگیـری از ضرر و اضرار، حقوق و وظایف متقابلی نسـبت بـه یکدیگر دارند. حقوق و تکالیف، دائر مدار یکدیگرند؛ بدین معنا که در برابر هر حقی تکلیفی وجود دارد. در برخی موارد، میان این حقـوق و تکالیـف زوجیـن، تزاحم صورت می‌گیرد و با تمسـک به قاعـده لاضرر می‌توان تزاحـم صورت‌گرفته در زمینه حقوق متقابل اختصاصی، اجتماعی و اقتصادی زوجین را، رفـع نمـود. به‌عنـوان مثال، میان حق جنسـی زوج بـا حق خروج زوجـه از منزل یا حق اشتغال وی، تزاحم صورت می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که موجب ضرر بوده و مانع از امتثال حق جنسی و تمکین می‌گردد. در این حالت، با تمسک به قاعده لاضرر و بهره‌گیری از ادله فقهی، می‌توان حکم به عدم اشـتغال یا خروج زوجه از منزل نمود و حق جنسـی زوج را مقدم دانست. این قاعده به معنای نفی هرگونه حکم ضرری در شرع مقدس است و از باب لطف و امتنان ازسـوی خداوند بر بندگان اسـت. اصل ۴۰ قانون اساسـی دراین‌باره چنیـن مقـرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌توانـد اعمال حق خویش را وسـیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

با توجه به اینکه ضرر رساندن به خود یا دیگری، از منظر شرع و عقل مذموم و ناپسند است، لذا نفی ضرر از خود و دیگران لازم و ضروری است. خانواده محل انس و آرامش انسان‌ها در کنار یکدیگر است و نباید موجب ضرر رساندن به افراد گردد و زوجین باید بتواننـد از حقـوق شـرعی و قانونی خود برخوردار باشـند. در مورد حقـوق متقابل زوجین و رفـع تزاحـم به وسـیله قاعـده لاضرر، تحقیقاتـی صورت گرفته اسـت، اما پژوهشـی که به‌صورت منسجم به نقش قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل زوجین و مصادیق

آن بپردازد یافت نشـد. لذا خلأ پژوهشـی در این زمینه برای آگاهی‌بخشـی به خانواده‌ها و به‌ویـژه زوجین در شـناخت حقوق متقابـل، آگاهی از موارد تزاحم و چگونگی رفع این تزاحم با استفاده از قاعده لاضرر احساس می‌شود. در این پژوهش، تلاش شده تا ضمن بیـان برخـی از حقـوق متقابل زوجین و موارد تزاحم این حقوق، به بیان نحوه تمسـک به قاعده لاضرر در رفع این تزاحم پرداخته شود.

۲. مفهوم‌شناسی

در ابتدا به بیان معانی برخی مفاهیم مورد استفاده می‌پردازیم:

۲ـ۱. ضرر

در لغت به معنای زیان، خسارت و نقصان واردشده بر چیزی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج۷، ص۷؛ افرام بستانی، بی‌تا، ص۵۶۸؛ معلوف، بی‌تا، ص۸۷۸). در اصطلاح فقه، ضرر مقابل نفع است و به معنای ورود نقصان در مال، جان و آبرو است. قاعده لاضرر یکی از قواعد مهم فقهی است که در تمام ابواب فقه، اعم از عبادات، معاملات و احکام کاربرد دارد و ورود ضرر بر فرد و دیگران را نفی می‌کند (هاشـمی شـاهرودی، ۱۳۸۲، ج۵، ص۱۴۲؛ سـرور، ۱۴۲۹، ج۱، ص۱۷۶؛ غدیری، ۱۴۱۸، ص۳۲۱).

۲ـ۲. تزاحم

تزاحـم در لغت به معنای برخورد، ایجاد مزاحمت و درگیری اسـت (معلوف، بی‌تا، ص۶۰۸؛ لسان، ج۱، ص۵۳۸؛ افرام بستانی، بی‌تا، ص۲۲۵). در اصطلاح فقه ناظر به تقابل دو حق یا حکم شرعی در مرحله اجرا است، به‌گونه‌ای که اجرای یکی مستلزم عدم اجرای دیگری است. در واقـع، تزاحـم زمانی اسـت که دو حکم بـرای یکدیگر مزاحمتی ایجـاد کنند و امکان امتثال آن دو با هم وجود نداشته باشد و نتوان به هر دو عمل نمود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۴۵۶؛ جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۳۷).

۳ـ۲. تعارض

تعارض در لغت گاهی به معنای بعدی از ابعاد سه‌گانه جسم و گاهی به معنای اظهار و آشکار نمودن و در معرض دید قرار دادن است (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص۱۲۴). همچنین به معنای با یکدیگر اختلاف داشتن و ناسازگاری نیز بیان شده است (دهخدا، ج۱، ص۷۴۹). مرحوم آخوند در کفایه تعارض را به معنای تنافی و منافات داشتن و قابل جمع نبودن دو یا چند دلیل بر حسب مقام اثبات و دلالت، نه برحسب مقام ثبوت و واقع، بیان کرده است (آخوند خراسانی، ۱۳۲۶، ص۴۳۷). در اصطلاح، تعارض عبارت است از تلافی دو فکر در جهت عکس یکدیگر به‌گونه‌ای که جمع بین آن‌ها مقدور نباشد (سهرابی، ۱۳۹۱، ص۶؛ ولایی، ۱۳۸۷، ص۱۳۹). در واقع، تعارض عبارت است از اینکه مدلول دو یا چند دلیل لفظی با هم تنافی داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که مدلول هریک به‌طور مستقیم یا با ملازمه، نفی مدلول دیگری باشد و عرف، جمع بین آن دو را امکان‌پذیر نداند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص۵۱۶). تعارض تنافی دو دلیل در مرحلهٔ جعل و تشریع است به‌صورتی که صدق یکی از آن دو مستلزم کذب دیگری است، اما کذب یکی از آن‌ها مستلزم صدق دیگری نیست (خویی، ۱۴۱۹، ج۲، ص۶).

۴ـ۲. تفاوت تزاحم و تعارض

تعارض غیر از تزاحم است و با یکدیگر تفاوت دارند. تعارض میان دو دلیل زمانی صورت می‌گیرد که در صورت اجتماع دو دلیل، هر یک بر نفی حکم دیگری دلالت التزامی داشته باشد. همچنین، حتی اگر دو دلیل متعارض دارای شرایط حجت باشند، باز هم محتوای یکی از آن دو خلاف واقع و فاقد ملاک ثبوتی است. تزاحم تنها مربوط به دو حکم الزامی است، اما تعارض، اختصاص به حکم الزامی ندارد (سهرابی، ۱۳۹۱، ص۲۰). از سوی دیگر، تزاحم مربوط به مقام امتثال و عمل است، اما تعارض مربوط به مقام جعل و ثبوت است و در مقام امتثال نیست. تعارض وضعیت دو دلیل نسبت به یکدیگر است، ولی تزاحم حالت و وضعیت دو حکم است برابر هم. همچنین، حاکم به تقدیم

یا تخییر در باب تزاحم عقل است، اما در باب تعارض شرع است و از نظر مرجحات نیز با یکدیگر تفاوت دارند. مرجحات باب تعارض یا صدوری است (موافقت مشهور و صفات راوی) و یا جهتی است (مخالفت با عامه) و یا مضمونی است (موافقت با قرآن). درحالی که مرجحات باب تزاحم امور دیگری است. تقدیم یکی از متعارضین بر دیگری موجب رفع حکم از موضوع آن می‌شود، ولی در تزاحم تقدیم یکی موجب ارتفاع حکم به ارتفاع موضوع می‌شود (خویی، ۱۴۱۹، ص۵؛ جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۱۴).

۵ـ۲. تزاحم حقوق متقابل زوجین

زوجین دارای حقوق متقابلی هستند که در برخی موارد دچار تزاحم می‌شوند. این حقوق اعم از حقوق اختصاصی، اجتماعی و اقتصادی است. در این بخش، به بررسی برخی موارد تزاحم میان این حقوق می‌پردازیم. تزاحم حقوق اختصاصی زوجین، شامل حق جنسی، حق طلاق، حق قوامیت و حق مضاجعه و قسم است.

۱ـ۵ـ۲. حق جنسی زوج و زوجه

پاسخ‌گویی به حق جنسی به‌عنوان یکی از نیازهای فطری بشر، وظیفه‌ای مشترک میان هر یک از زوجین است، اما حدود آن تفاوت دارد (سهرابی، ۱۳۹۱، ص۵۵). در فقه، از اصطلاح تمکین برای بیان حق جنسی استفاده می‌شود. تمکین از حقوق واجب شوهر بر زن است و در صورت خودداری زن از آن بدون عذر، نفقهٔ او به سبب تحقق نشوز، بر شوهر واجب نخواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۶۳۴؛ محمدی، ۱۳۸۳، ص۴). مطابق ظاهر کلام فقها، تنها تکلیف خاص زوجه پس از عقد نکاح، تمکین است. زوجه موظف است نیازهای جنسی زوج را برآورد و از او در امور زناشویی اطاعت کند (نجفی، ۱۴۲۱، ج۱۶، ص۲۵۶؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ج۸، ص۳۶۱). ناشزه نبودن زوجه، منوط به تحقق این حق زوج است (نجفی، ۱۴۲۱، ج۱۶، ص۲۵۸). بنابراین، در روابط زناشویی، اصل بر تمکین زوجه است و زوجه تنها در مواردی که عذر داشته باشد، از تمکین معاف است (پورعبدالله و جیل‌زاده، ۱۳۹۳، ص۳۶). در

مقابل، زوج نیز باید حق جنسی زوجه را رعایت نماید. در منابع فقهی آمده است: «جایز نیست مرد، نزدیکی با همسرش را بیش از چهار ماه به تأخیر اندازد». این حکم در بین فقها معارض نداشته و حتی برخی بنابر احتیاط واجب، بر مسافر هم جایز ندانسته‌اند که سفر غیرضروری خود را بیش از چهار ماه طول بدهد، مگر در مواردی که از نظر عرف ضروری است؛ مانند تجارت، زیارت یا تحصیل علم (موسوی الخمینی، ۱۳۸۵). البته شرط به تعویق نیفتادن حق جنسی، منوط به عدم عذر زن یا مرد است؛ مانند ترس ضرر به زوجه یا بیماری (شعرباف‌چی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص۷۵).

در صورت شاغل بودن زوجه، زوج نمی‌تواند آن‌گونه که از یک زن خانه‌دار در تأمین نیاز جنسی انتظار می‌رود، توقع داشته باشد (سهرابی، ۱۳۹۱، ص۵۵). این امر موجب تزاحم حق جنسی مرد با حق اشتغال زن می‌شود. همچنین در صورت مسافرت مرد یا اشتغال وی در تأمین نفقه و امرار معاش، زوج در منزل نبوده و حق جنسی زن که حداقل هر چهار ماه یک بار است، رعایت نمی‌شود و میان این حقوق تزاحم صورت می‌گیرد. یکی از راه‌های رفع این تزاحم و ترجیح یکی از حقوق بر دیگری، تمسک به قاعده فقهی لاضرر است که در ادامه بیان می‌شود.

۲ـ۵ـ۲. حق طلاق

به موجب ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین می‌توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند». یکی از شروطی که ممکن است ضمن عقد نکاح مطرح شود، وکالت زن در طلاق است (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۵۲). روایت خاصی از امام صادق علیه‌السلام بیان شده که به موجب آن از حضرت در مورد مردی که امر طلاق زنش را به دیگری واگذار کرده و گفته بود که شاهد باشید که من اختیار طلاق زنم را به فلان کس دادم، سؤال شده است که آیا جایز است یا خیر؟ آن حضرت فرمود: «بلی صحیح است و مانعی ندارد» (همان، ۱۳۹۲، ص۵۳). حق طلاق، یکی از مهم‌ترین حقوق شرعی زوج است که خداوند برای حفظ خانواده به مرد داده است.

در مواقعی که میان زوجین سوء معاشرت باشد و الزام یا تعزیر زوج سودی نداشته باشد، آخریـن راهـکار بـرای جلوگیری از ضـرر به حقوق زوجـه، طلاق قضایـی اسـت. در واقع، هـدف از ایـن طلاق، از بین بردن علقه زوجیـت به‌عنوان منبع اصلی ورود ضرر به زوجه است (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۲). در منابع فقهی در حدیث نبوی «**الطلاق بید من أخذ بالساق**» (نوری طبرسی، ج۱۵، ص۳۰۶)، حق طلاق به زوج داده شـده اسـت و طلاق فقط به اراده زوج است؛ اما اگر در زندگی زناشویی، زوجه مورد آزار و اذیت زوج واقع شود و نتواند به هیچ نحوی از زوج جدا شود، این امر سبب ورود ضرر به زوجه و تحمل ضرر برای زوجه است. علامـه حلی در تقریـرات خود تحت عنوان: «**حقوق الزوجة و آثارها الوضعیة**» بیان نموده، تخلف شـوهر از انجام وظایف زوجیت (اعم از نفقه، هم‌خوابگی، حق جنسـی زوجه و حسـن معاشـرت) چه ناشـی از تقصیر شـوهر باشد و چه نباشـد، در صورتی که موجب دشواری زندگی زناشویی و بقای نکاح شود، مجوز رجوع زوجه به حاکم شرع برای طلاق است (حلی، ج۲، ص۳۳۵؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۰).

۳ـ۵ـ۲. حق ریاست و قوامیت

در مـاده ۱۱۰۵ قانـون مدنـی مقـرر شـده اسـت: «در روابـط زوجیـن ریاسـت خانـواده از خصایـص شـوهر اسـت» (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۴۲). خداوند در آیه ۳۸ سـوره نسـاء بیان فرموده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾؛ مسئولیت و مدیریت خانواده بر عهده شوهر اسـت. البتـه ریاسـت خانـواده و قوامیت مرد، حقی برای او نیسـت، بلکـه تکلیفی در راسـتای اسـتحکام و تداوم بنیان خانواده اسـت (علائی رحمانی، ۱۳۸۳، ص۲۶). حال اگر مرد غفلت کند و از این حق و مسـئولیت خود برای مقاصد دیگری اسـتفاده نماید، از موقعیت خود سوء استفاده کرده و باید منع شود. در این موارد، زن می‌تواند به دادگاه رجـوع کنـد و مانـع کار زوج شـود (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۴۳). در برخـی مـوارد، میـان حق قوامیـت مرد با سـایر حقوق متقابل زوجین تزاحم صـورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال، زن خواهـان خروج از منزل اسـت، ولی مـرد بنابر حق قوامیت مانع خروج وی می‌شـود، یا

اینکـه حـق قوامیت مرد با حق اشـتغال یا تحصیل زوجه تزاحـم می‌یابد. برای رفع این مـوارد تزاحم باید به مرجحات رجوع نمود.

۴ـ۵ـ۲. حق مضاجعه و قسم

یکی از حقوق مقابل زوجین، حق مضاجعه و حق قسم است که از جمله حقوق مختص زوجه می‌باشـد. شـارع با به رسـمیت شناختن حق قسـم و مضاجعه برای زوجه، علاوه‌بر توجه به حق جنسی (مواقعه)، به نیازهای عاطفی او نیز توجه نموده است. حق مضاجعه و حق قسـم موجبِ افزایش انس و محبت بین زوجین، رعایت عدالت و پرهیز از اذیت زوجه است و دلیل قرآنی آن آیه ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ است. اکثر زنان، به محبت و توجه همسـر، بیشـتر از رابطه جنسـی نیاز دارند. قسـم به معنای در آغوش گرفتن زن و شوهر، حداقل هر چهار شب یک بار است. به تعبیر قرآن (روم:۶۴)، با این عمل، زوجین به سکینه و آرامش می‌رسند و احساس امنیت می‌نمایند و در صورت برقراری رابطه جنسی، لذت بیشـتری می‌برند. از همین رو، زوج به‌صورت متعارف، به مضاجعه و هم‌بسـتری با زوجه مکلـف شـده اسـت. مهم‌ترین علت وجوب حق قسـم، وجـود حق مضاجعه بـرای زنان اسـت؛ لـذا، اغلـب ایـن دو حـق یکی فرض شـده و بـه تفـاوت میـان آن دو، کمتر توجه می‌شود (مهاجری، ۱۳۹۲، ص۱۴۱). عدم رعایت این حقوق، یعنی حق قسم و حق مضاجعه، سـبب نشوز زوج می‌شود. نشـوز زوج به معنای تخلف و خودداری زوج از انجام وظایف خود است. قرآن در آیه ۲۸ سوره نساء می‌فرماید: ﴿وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا﴾؛ این آیه به نشوز زوج اشاره دارد (مکارم شیرازی، ج۴، ص۱۵۰). واژه «اعـراض» کـه در آیـه آمـده، بـه معنای بی‌توجهی زوج اسـت (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۶۹). برخی مفسرین اعراض را خاص مضاجعه دانسته‌اند. بدین ترتیب، دو اصطلاح «نشـوز و اعراض» از لحاظ معنایی با هم اختلاف دارند؛ زیرا در نشـوز نوعی از سرکشی و نادیـده گرفتـن حقوق زوجه مانند، عدم انفاق، عدم رعایت مضاجعه و مقاربت اسـت، اما اعراض از طریق حرف نزدن، گرم نگرفتن و یا روی برگرداندن از زوجه نمایان می‌شود.

بنابراین، اعراض نسبت به نشوز درجه پایین‌تری دارد (شبیری، ۱۳۸۳، ج۲۵، ص۷۷۵۶؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۶۹). در برخی موارد، میان این حق جنسی زن و سایر حقوق زوجین، تزاحم صورت می‌گیرد. مثلاً بین مضاجعه با تمکین یا با حق تعیین محل سکونت و یا با خروج زوجه از منزل، تزاحم ایجاد می‌شود. زوجین با لحاظ مرجحات باب تزاحم و عدم ضرر و اضرار به خود یا دیگری، ناگزیر به انتخاب یکی از حقوق هستند.

۶ـ۲. موارد تزاحم حقوق متقابل اجتماعی زوجین

حقوق اجتماعی زوجین، اعم از حق اشتغال، تحصیل و مشارکت اجتماعی، خروج از منزل و تعیین مسکن است. در این بخش به بیان مصادیق تزاحم در این حقوق می‌پردازیم.

۱ـ۶ـ۲. حق اشتغال زوجه

مطابق اصول ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرکس حق دارد به شغلی که علاقه‌مند است و آن شغل مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد، اشتغال ورزد. زوجه به‌عنوان یک فرد از اجتماع حق دارد به کار مورد علاقه خود بپردازد. حق اشتغال زوجه، حقی ذاتی است و تبعی یا اکتسابی ناشی از شرط ضمن عقد نیست (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۴۰). بنابراین، زن می‌تواند به هر کاری اشتغال داشته باشد، مگر اینکه با مصالح خانواده ناسازگار باشد و موجب سستی بنیان خانواده یا آسیب در نگهداری و تربیت فرزندان شود و یا با حیثیت اجتماعی زن و شوهر و نظم اقتصادی خانواده منافات داشته باشد. فقهای شیعه، با رعایت شرایط، کار کردن زن در بیرون از منزل را پذیرفته‌اند. بزرگانی چون سید طباطبایی (یزدی، ۱۱۳۱، ج۲، ص۱) و سید حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۱۱۳، ج۲، ص۲۱) معتقدند: «اگر زن برای خدمت در مدت معینی (تعهد و توان خود را) اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت ازدواج کند، اجاره او باطل نمی‌شود؛ حتی اگر خدمت، منافی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد. در این حکم تفاوتی نیست بین این که شوهر در هنگام ازدواج، تعهد زن را بداند یا نداند؛ زیرا اینجا دو حق

وجود دارد: حق خدمت و حق شوهر». در برخی مواقع، حق اشتغال زوجه با سایر حقوق تزاحم می‌یابد. به‌عنوان مثال، تزاحم حق اشتغال زوجه با قوامیت مرد و یا تزاحم حق اشتغال با تمکین؛ چراکه ممکن است زوجه به علل ناشی از اشتغال مانند خستگی و غیره، نتواند حق تمکین زوج را به‌درستی انجام دهد. در این زمان، قانون برای رفع تزاحم و حفظ کیان خانواده در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی آورده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». بدین ترتیب برای رفع تزاحم، با توجه به اهمیت خانواده و حفظ آن، حق مرد بر زن ترجیح داده می‌شود و زوج می‌تواند زن را از اشتغال منع کند (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۴۴).

۲ـ۶ـ۲. حق مشارکت اجتماعی و تحصیلات زوجه

براساس ادله شرعی، بالاترین وظیفهٔ زن متناسب با توان جسمی و روحی وی، سامان بخشیدن به امور خانواده و تربیت فرزندان است؛ اما این امور تنها وظیفه زن نیست (توجهی و حق‌محمدی‌فرد، ۱۳۹۰، ص۴۱). امام خمینی﵀ می‌فرماید: «این تبلیغات است که اگر اسلام پیدا شد، زن‌ها باید توی خانه بنشینند و بیرون نیایند. این حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند. صدر اسلام زن‌ها در لشکرها هم بودند و در میدان جنگ هم می‌رفتند. البته احکام خاص مرد و احکام خاص زن داریم، اما زن و مرد همه آزادند در اینکه به دانشگاه بروند، رأی بدهند و...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج۵، ص۲۱۷ـ۲۱۶). ازاین‌رو، پرداختن به امور جامعه و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در کنار زندگی زناشویی و اداره امور خانواده از حقوق بدیهی و انکارناپذیر زنان و ناشی از تساوی جایگاه زن و مرد در اسلام است (توجهی و حق‌محمدی‌فرد، ۱۳۹۰، ص۴۲). این حق زوجه، در روایات و منابع دینی نیز مورد توجه قرار گرفته است. زوجه به‌عنوان عضوی از جامعه، حق دارد که در عرصه‌های اجتماعی مشارکت داشته باشد و از تحصیلات عالی برخوردار گردد. البته تحصیلات زوجه نباید با مصالح و منافع خانواده منافات داشته و در تزاحم قرار گیرد. در صورت تزاحم تحصیلات زوجه با سایر

حقـوق زوجین مانند حقوق جنسـی و تمکین، قوامیت و غیـره، حق زوج بر زوجه مقدم می‌شـود و زوجه باید در جهت رفع تزاحم و عدم اضرار به دیگران، از حق تحصیل خود صرف‌نظر نماید.

۳ـ۶ـ۲. حق خروج زوجه از منزل

یکـی از حقـوق متقابـل زوجین، حق خروج زوجه از منزل با اذن زوج اسـت. شـهید ثانی می‌گوید: «یکی از حقوق مرد بر همسرش این است که زن بدون اذن او از خانه‌اش بیرون نرود، هرچند نزد کسان خود باشد، حتی اگر بخواهد به عیادت بیماری از کسان خویش یـا در تشـییع یا سـوگواری مردهای آنـان برود» (جبعی العاملی، ۱۴۱۳، ج۱، ص۴۴۸). در برخی موارد حق خروج زوجه از منزل با سـایر حقوق مانند، حق جنسـی زوج تزاحم می‌یابد. در این مواقع، به تعبیر فقها، قدر متیقن از حق شـوهر این اسـت که زن بدون اذن شـوهر از منزل بیرون نرود (احمدی و سلیلی، ۱۳۸۹، ص۱۴).

۴ـ۶ـ۲. حق تعیین محل سکونت

مطابق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید، مگـر آنکـه اختیار تعیین منزل به زن داده شـده باشـد». اختیار تعیین مسـکن بر عهده مرد است، مگر اینکه توافقی برخلاف آن شده باشد. به تعبیر علامه حلی، بر مرد واجب اسـت بـرای هـر کـدام از همسـرانش منزلـی مجزا تهیـه نمایـد و نباید بیـن دو هوو جمع کند (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج۷، ص۳۲۸). شـیخ انصاری معتقد اسـت زن حق مطالبهٔ مسـکن مسـتقلی که به جز شـوهرش کسـی در آنجا سـکونت نمی‌کند را دارد (انصاری، ۱۴۱۵، ج۱، ص۴۸۴). تهیه مسکن مستقل برای زوجه از مصادیق حسن معاشرت بوده و زوج مکلف به انجام آن است (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۴۹).

حـال اگـر اعمـال حـق زوجـه در تعییـن مسـکن موجب تفـاوت در محل سـکونت زوجیـن شـود، این حق مشـترک غیرمالـی، نقض می‌گردد. لـذا اگر زوج به علت شـرایط

شـغلی یا مالی امکان سـکونت در محل‌تعیین شـده را نداشته باشـد، در مرحله اجرای حقوق، مشـکل ایجاد می‌شـود؛ زیرا حق تعیین سـکونت زن با حق قوامیت مرد، تزاحم می‌یابـد. همچنیـن در برخـی مـوارد، میان حق تعیین مسـکن زوجه با حـق تمکین زوج کـه شـرط تحقق آن سـکونت مشـترک اسـت، تزاحم رخ می‌دهـد. در این حالـت باید به مرجحات باب تزاحم رجوع نمود (همان، ص۵۰).

۷ ـ ۲. موارد تزاحم حقوق متقابل اقتصادی زوجین

نفقه و مهریه از حقوق متقابل اقتصادی زوجین است. در این بخش به بیان موارد تزاحم در این حقوق می‌پردازیم.

۱ ـ ۷ ـ ۲. حق نفقه

مطابق فقه، زوج مکلف به تأمین مخارج خانواده و پرداخت نفقه است، هرچند زوجه دارایی داشـته و صاحب شـغل و درآمد باشـد. در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که پرداخت نفقه زوجه بر عهده زوج است (مصدق صدقی، بی‌تا، ص۱۱۷). در باب شرط وجوب نفقه، مشهور وجوب نفقه را مشروط به تمکین کامل زوجه می‌داند، اما برخی دیگر، وجوب نفقه را منوط به بیرون نرفتن زوجه از منزل بدون اذن زوج، آراستگی ظاهر، حسن معاشرت و تمکین خاص زوجه در بهره‌وری جنسـی دانسـته‌اند. گروهی دیگر از فقها، مانند آیت‌الله حکیم و خویی، تمکیـن را شـرط نفقـه نمی‌دانند اما نشـوز را مانع تحقق نفقه می‌دانند، امـا صاحـب جواهر تمکیـن را واجب و نشـوز را مانع نفقـه می‌داند (نجفی، ۱۴۲۱، ج۳۱، ص۴۰). در مـاده ۱۱۰۸ قانون مدنی نیز بیان شده است که «هر گاه زن بدون مانع از وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقـه نخواهد بـود». برخی حقوق‌دانان قائل‌اند: «حق نفقه برای زن در اثر زناشـویی مادامی است که زن ناشزه نشود» (مصدق صدقی، بی‌تا، ص۱۲۱). در برخی موارد، میان حق نفقه و سایر حقوق مانند تمکین یا خروج زن از منزل تزاحم صورت می‌گیرد. در این حالت، حق زوج بر نفقه زوجه ترجیح می‌یابد و در صورت نشوز زوجه، حق نفقه اسقاط می‌شود.

۲ـ۷ـ۲. حق مهریه

طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع، مسقط حق نفقه نخواهد بود». مهر یکی از حقوق مالی زوجه است که زوج به‌واسطه نکاح ملزم به دادن آن می‌شود (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۳۴). زوجه می‌تواند تا زمانی که زوج نسبت به تسلیم مهریه اقدام نکرده باشد، از تمکین امتناع ورزد تا مهر را دریافت نماید. به این حق زوجه، حق حبس گویند (نجفی، ۱۴۲۱، ج۳۱، ص۴۱؛ مکی العاملی، ۱۱۱۳، ص۱۱۱). از سوی دیگر، زوج نیز تمکین را از وی می‌خواهد و از چنین حقی برخوردار است. در این وضعیت، هر یک از طرفین خواهان حق خود هستند و اجرای هر یک از حقوق، موجب تزاحم با حق دیگری می‌شود. مطابق فقه و قانون، حق حبس و امتناع زوجه، مسقط حق نفقه و مهریه نیست (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۳۷).

۳. کاربرد قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل زوجین

قاعده لاضرر یکی از قواعد مهم و پرکاربرد فقهی است. ادله این قاعده شامل، دلایل عقلی (مدلول این قاعده جزء مستقلات عقلی است)، آیات قرآن (بقره: ۲۳۱ و ۲۳۳؛ طلاق:۶ و نساء:۱۲)، روایات (روایت سمره‌بن‌جندب، روایت شفعه، روایت جدار، روایات ذیل آیه ۲۳۱ بقره) و اجماع (فقهای شیعه و سنی بر حجیت این قاعده اتفاق‌نظر و اجماع دارند) است (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۳۹ـ۳۰). این قاعده برای رفع ضرر حاصل از تزاحم حقوق متقابل زوجین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این بخش، کاربرد قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل اختصاصی، اجتماعی و اقتصادی زوجین بیان می‌شود.

۱ـ ۳. کاربرد قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل اختصاصی

برای رفع تزاحم حقوق متقابل اختصاصی و ترجیح یکی از حقوق بر دیگری، می‌توان از قاعده لاضرر استفاده نمود.

۱ـ۱ـ۳. حق جنسی زوج و زوجه

در صورت تزاحم حق جنسی زوجین می‌توان به قاعده لاضرر تمسک جست. درخصوص وجوب تمکین زوجه، گرچه حکم اولیه تمکین، حکمی ضرری نیست، اما چنانچه به هر دلیلی همچون نفاس، حیض، بیماری زوجه، تأخیر در بهبودی یا تشدید بیماری، اجرای آن متضمن ورود ضرر باشد و یا تمکین خاص زوجه، موجب ابتلای زوج به امراض مسری شود، تمکین از زوجه به‌طور موردی رفع می‌شود. همچنین، در صورت نشوز زوجه و عدم تمکین، شارع راهکاری جهت رفع ضرر و زیان ناشی از عدم تمکین زوجه در نظر گرفته است (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۹۲).

بررسی در منابع فقهی نشان می‌دهد، علی‌رغم توصیه‌های آیات و روایات مبنی بر وجوب تمکین زوجه، قاعده لاضرر به‌عنوان یکی از مشهورترین قواعد فقهی و حاکم بر ادله احکام اولیه، می‌تواند احکام ضرری یا احکام متعلق به موضوعات متضمن ضرر را مرتفع نماید و عموم و اطلاق ادله‌ای که حق استمتاع زوج را بیان نموده‌اند، تخصیص و تقیید زده و موجب جواز خودداری زوجه از تمکین شود (روحانی، بی‌تا، ج۲۱، ص۱۵۱؛ ج۲۲، ص۷۳؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۹۷). البته در این زمینه میان فقها اختلاف نظر نیز وجود دارد.[۱]

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است:[۲] «دو صفت است که برتر از آن دو صفت در نیکی چیزی نیست: ایمان به خدا و نفع رساندن به بندگان خدا و دو ویژگی است که چیزی بدتر از آن نیست: شرک به خدا و ضرر رساندن به بندگان خدا» (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص۳۵). در این روایت، ضرر رساندن به بندگان خدا، در کنار شرک آورده شده است و دلیلی بر حرمت ضرر رساندن به بندگان خدا است. در نتیجه و بنابر این

۱. جهت مشاهده اختلاف نظرات رجوع شود به: انصاری، فرائد الاصول، ج۲، ص۵۳۳؛ خراسانی (آخوند)، کفایة الاصول، ج۲، ص۲۶۷؛ شریعت اصفهانی، قاعده لاضرر، ص۲۵؛ نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد استنباط الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، ص۱۸؛ موسوی خمینی، رسائل، ج۱، ص۵۰

۲. «خَصْلَتَانِ لَیسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرّ شَیءٌ الْإِیمَانُ بِاللهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللهِ وَ خَصْلَتَانِ لَیسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشّرّ شَیءٌ الشّرْکُ بِاللهِ وَ الضّرّ لِعِبَادِ الله».

روایت، اگرچه ضرر رساندن به زوجه از طریق عدم رعایت حق جنسی او، حرام نیست، اما بسیار زشت و مبغوض است. ازاین‌رو، در مواردی که برقراری رابطه جنسی از لحاظ جسمی یا روحی برای زوجه مضر باشد، حکم وجوب تمکین از او ساقط می‌شود. البته این خودداری از تمکین موجب محرومیت زوجه از نفقه نمی‌شود (علامه حلی، ج۳، ص۱۰۳؛ جبعی العاملی، ج۸، ص۴۴۸؛ حلی (فخرالمحققین)، ۱۳۴۷، ص۲۵۷؛ طوسی، ج۴، ص۳۱۷؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۹۸، ۱۳۴).

۲ـ۱ـ۳. حق طلاق

قاعده لاضرر، در ایجاد تعادل بین حقوق زوجین به‌ویژه در زمینه طلاق با سلب حق و یا ایجاد محدودیت در اعمال حق طلاق زوج، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. مهم‌ترین اثر قاعده لاضرر، الزام زوج به طلاق توسط محکمه است. در جایی که استمرار زندگی مشترک به ضرر زوجه باشد، زوج مکلف به طلاق می‌شود؛ بدین معنا که اجرای حق طلاق به علت سوءاستفاده زوج، موجب تضییع حق زوجه می‌شود و قاعده لاضرر حکم اولیه را رفع می‌کند و تخصیص می‌زند (محقق داماد، ص۳۷۲؛ مهاجری، ش۱۳۰، ص۱۰).

سوءاستفاده از حق طلاق زمانی است که زوج قصد اضرار به زوجه را داشته و موجب آسیب‌های مادی و معنوی فراوانی برای وی شود. ازجمله آسیب‌های معنوی، آسیب به شخصیت و اعتبار زوجه، زیر سؤال بردن اعتبار و حیثیت خانوادگی زوجه و تنزل وجههٔ اجتماعی او است. درنتیجه، زوج حق ندارد که حقوق معنوی زوجه اعم از آرامش روحی و روانی، تأمین نیاز جنسی، اعتبار اجتماعی و حیثیت زوجه را پایمال کند (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۱۰۴).

زوجه‌ای که از نفقه و حقوق اولیه خود محروم باشد، در صورتی که تعزیر و اجبار زوج در انجام حقوق زوجه مؤثر نباشد و زوجه را به خواست حاکم شرع طلاق ندهد، حاکم به‌منظور دفع ضرر از زوجه، می‌تواند او را طلاق دهد (مکارم شیرازی، ج۱، ص۸۹؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۱۱۰). با توجه به اینکه طلاق از اختیارات زوج است و سلطنت زوج بر طلاق در

فرضی که وی نشوز کرده است موجب اضرار به زوجه می‌باشد، با قاعده لاضرر، حکم سلطنت شوهر بر طلاق منتفی می‌شود و در نتیجه حاکم می‌تواند وی را مجبور به طلاق نموده و در صورت امتناع وی از انجام حکم قاضی، خود و به‌عنوان ولی ممتنع (الحاکم ولی الممتنع) طلاق را اجرا کند (موسوی الإصفهانی، ۱۳۵۲، ج۲، ص۲۱۶؛ خویی، ج۲، ص۳۰۷؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج۳۱، ص۲۰۷؛ خمینی، ج۲، ص۲۷۳؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۰).

شیخ انصاری در ملحقات مکاسب، میرزای قمی در جامع الشتات و مرحوم محمد کاظم یزدی در ملحقات عروة الوثقی در مورد امکان مراجعه زوجه به دادگاه در صورت اذیت و آزار زوج و یا افتادن در عسر و حرج و الزام شوهر به طلاق نظر داده‌اند. ازنظر محمد کاظم یزدی این حق زوجه است که حتی در غیر مورد ترک انفاق، اگر بقای زوجیت برایش ضرر داشته باشد، محکمه حکم جدایی را صادر کند (طباطبایی یزدی، ج۲، ص۶۸؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۱۰۳).

۳ـ۱ـ۳. حق ریاست و قوامیت

یکی از مهم‌ترین حقوق اختصاصی زوج، حق ریاست بر خانواده در جهت حفظ مصالح خانوادگی است (نقیبی، ۱۳۸۶، ص۴۴؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۵). این حق ممکن است در اموری چون خروج از منزل یا اشتغال زوجه در خارج از منزل مورد سوءاستفاده قرار گیرد؛ اما زوج نباید به بهانه حق ریاست، سوءاستفاده کند و زن را از استیفای این حقوق محروم نماید. برخی از فقهای متقدم، بر اطلاق حق ریاست تأکید نموده‌اند. شهید ثانی در این زمینه می‌نویسد: «از حقوق شوهر بر زن این است که بدون اذن وی از منزلش خارج نشود، اگرچه نزد خانواده‌اش برود تا بیماران خانواده خود را عیادت کند یا در تشییع جنازه آنان حاضر شده، برای تسلیت‌گویی ایشان برود» (جبعی العاملی، ج۸، ص۵۳۴). در صورت تزاحم این حق با برخی حقوق زوجه، زوج به حکم شرع و قانون می‌تواند برای حفظ بنیان خانواده، با تمسک به قاعده لاضرر، زوجه را از آن حق منع نماید؛ زیرا مطابق قاعده لاضرر، فرد نمی‌تواند به خود و دیگران ضرر برساند (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۷).

۴ـ۱ـ۳. حق مضاجعه و قسم

عدم رعایت حق مضاجعه و قسم از سوی زوج، موجب ضرر بر زوجه است و مشمول قاعد لاضرر می‌شود. در روایتی، از امام رضا علیه‌السلام در مورد زوجی سؤال شد که به سبب ورود مصیبتی بدون اینکه قصد اضرار به همسرش را داشته باشد، یک سال با همسر خود مجامعت نکرده بود. امام فرمود: «**إذا ترکها اربعة اشهر کان آثم بعد ذلك**؛ اگر بیش از چهار ماه این عمل را ترک کند، گناهکار خواهد بود» (طوسی، ۱۳۶۵، ج۷، ص۴۱۲). روایت مشابه دیگر، روایت صفوان‌بن‌یحیی از امام رضا علیه‌السلام است.[1] در این روایت، صفوان از حضرت رضا علیه‌السلام در مورد زوجی سؤال نمود که دارای همسر جوانی است و هم‌بستری او را یک ماه یا یک سال ترک کرده و به او نزدیک نمی‌شود. البته نه برای اینکه به او آزار رساند، بلکه به دلیل آنکه مصیبتی دیده‌است. آیا این فرد گناهکار است؟ امام فرمودند: «اگر چهار ماه او را ترک کرده باشد، خیر؛ پس از آن اگر ترک کند، گناهکار خواهد بود، مگر اینکه با اذن و رضایت زوجه باشد». براساس این روایت اگر زوج بیش از چهار ماه از نزدیکی با زوجه‌اش خودداری کند گناهکار خواهد بود؛ مگر اینکه زوجه راضی باشد که در آن صورت اشکالی ندارد (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۱۳۵).

۲ـ۳. کاربرد قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل اجتماعی زوجین

در این بخش به بیان کاربرد قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل اجتماعی زوجین می‌پردازیم.

۱ـ۲ـ۳. حق مشارکت اجتماعی و تحصیلات زوجه

در مواردی که خروج از منزل با حق جنسی زوج تزاحم یابد، حق زوج بر زوجه مقدم می‌شود، مگر در مواردی که قطع به ضرر زوجه در صورت منع از خروج حاصل شود. به‌عنوان مثال، جهت تحصیل علم، و فراگیری احکام دین و مسائل شرعی، یا حضور

---

۱. «عن صفوان‌بن‌یحیی، قال: سألت الرضا علیه‌السلام عن الرجل یکون عنده المرأة الشابة فیمسك عنها الأشهر و السنة لایقربها لیس یرید الاضرار بها یکون لهم مصیبة یکونفی ذلك آثما؟ قال: إذا ترکها اربعة اشهر کان آثما بعد ذلك إلا أن یکون بإذنها».

در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی. در این موارد بر زوج واجب است که اجازه خروج از منـزل را بـه زوجـه بدهـد و یـا در صـورت امـکان، در خانه زمینـه یادگیـری آن را فراهم کند؛ چون تحصیل علم، واجب کفایی یا واجب عینی است. البته بر طبق مبنایی که وجـوب تحصیل این علوم ثابت شـود (جوادی آملی، بی‌تا، ج۸۱، ص۱۶۷؛ نقیبـی، ۱۳۸۶، ش۴۷، ص۹؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۳). بر این اساس، در مواردی که زوج اذن خروج از منزل به زوجه نمی‌دهد و منع زوج از مصادیق ضرر به زوجه باشد و با حق جنسی وی منافات نداشته و مفسـده یـا منع شـرعی نیز ندارد، حاکـم می‌تواند با وجود مخالفـت زوج، اذن خروج از منـزل دهد. در صورتی که زوج سوءمعاشـرت کند و به حکـم دادگاه توجه نکند، دادگاه به‌عنوان آخرین راهکار، جهت منع اضرار بیشـتر به زوجه، اقدام به طلاق قضایی زوجه می‌نماید (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۳).

۲ـ۲ـ۳. حق اشتغال زوجه

در آموزه‌هـای دینـی، اصل اشـتغال زنان، طبق آیات و روایات، مشـروع اسـت. در سـوره نسـاء آیه ۳۲: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ﴾، تلاش مادی و کسـب درآمد برای زنان و مردان به‌طور مسـاوی اسـتعمال شده است. از این آیه می‌توان برای اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی زنان استفاده کرد؛ زیرا اگر کار کردن برای آنان مجاز نبود، آیه شریفه آنان را مالک دست‌رنج خود قرار نمی‌داد. همچنین در روایات به این مسـئله اشـاره شده است. در صدر اسلام، در زمان پیامبر گرامی و ائمّه اطهار، زنان بسـیاری به فعالیت اقتصادی اشـتغال داشـتند. روایات متعددی از سوی معصومین، مبنـی بـر جواز اشـتغال زنـان وجـود دارد، به‌عنـوان نمونه روایتـی اسـت از پیامبرﷺ که فرمودند: «کسب درآمد حلال، بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷، ج۵، ص۲۰۵۹). علاوه‌بـر ایـن، فقهـا بـا رعایت شـرایطی، کار کردن زوجـه در بیرون از منزل را پذیرفته‌اند. البته اشتغال زنان نباید به‌گونه‌ای باشد که به مصالح خانواده لطمه وارد کند و در روند اشتغال و کسب منافع مادی، مصالح مهم‌تری فدا شود (حکیم، ۱۴۰۴،

ج۱۲، ص۱۳۰؛ یـزدی، ۱۴۰۹، ج۴، ص۶۷؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۴). گاهـی اوقـات شـغلی به جهت نـوع کار، تعداد سـاعات کاری و مشـغله‌هایی کـه برای زوجه ایجاد می‌کنـد، زوجه را به میزان قابل‌توجهی از وظیفه اصلی وی که اداره منزل و تربیت فرزندان است، بازمی‌دارد. چنین مشـاغلی، در اسـتحکام کیان خانواده تأثیر و تبعات منفی داشته و موجب ضرر و زیـان معنوی فراوانی به اعضای خانـواده می‌گردد (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۶). حال اگر حق اشـتغال زوجه با سـایر حقوق تزاحم یابد، زوجه می‌تواند در راستای جلوگیری از ضرر به زوج و فرزندان از اشتغال کناره‌گیری نموده یا آن را تعدیل نماید. همچنین زوج می‌تواند از حـق قوامیـت خـود در اذن دادن بـه زوجه برای خروج از منزل اسـتفاده کنـد و مانع از ادامه فعالیت زوجه گردد.

۳ـ۲ـ۳. حق خروج زوجه از منزل

مشهور فقها بر لزوم رضایت شوهر و اذن وی در خروج زوجه از منزل، اجماع دارند (جبعی العاملی، ج۸، ص۳۰۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج۲۳، ص۱۲۱؛ نجفی، ص۱۴۷). زوج می‌تواند زوجه را از بیرون رفتن از خانه منع کند؛ اگرچه این عمل با حق استمتاع زوج منافات نداشته باشد (جبعی العاملی، ج۸، ص۳۰۸؛ نجفی، ج۳۱، ص۳۰۶؛ خمینی، ج۲، ص۲۸۸). پیرامـون ایـن حـق، روایات متعـددی وجـود دارد و دلالت صریح بـر این مطلب دارند (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج۱۴، باب ۹۱). صاحـب جواهر حرمت سـفر زوجـه بـدون اذن زوج را یکی از مصادیق لـزوم اذن زوج در خـروج زوجـه از منزل بیان می‌کند. البته ایشـان معتقد اسـت که سـفر زوجـه بدون اذن زوج، در صورتی حرام است که مصداق نشوز باشد. بنابراین وقتی سفر بدون نشوز، حرام نباشد، خروج از منزل به طریق اولی حرام نخواهد بود. بنابراین، صاحب جواهر، خروج از منزل را در صورتی حرام می‌داند که از باب نشـوز باشـد (نجفی، ۱۴۲۱، ج۱۴، ص۲۵۹). مرحوم خویی قائل اسـت، اگر خروج از منزل مسـتلزم فسـاد باشد، حرام اسـت (طباطبایی یزدی، ج۳، ص۴۳۶؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۸؛ رضائیان، ۱۳۹۴، ص۴۳).

بنابرایـن، اگـر خـروج زوجه از منزل با حق جنسـی یا با حق مضاجعه و قسـم تزاحم

یابد، بنابر قاعده لاضرر، اولویت با حق جنسی است. اگر خروج زوجه با حق طلاق تزاحم یابد، بدین صورت که زوج مانع خروج زوجه برای تحقق حق طلاق شود، در صورتی که این عدم اذن موجب ضرر بر زوجه باشد، حق زوج منتفی می‌گردد.

۴ـ۲ـ۳. حق تعیین محل سکونت

زوج مکلف است زنش را در خانه خود بپذیرد و زوجه اصولاً مکلف است در خانه زوج زندگی کند؛ مگر اینکه سکونت مشترک متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زوجه باشد (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۷). در قرآن نیز در دو آیه شریفه ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۱۹)، ﴿وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾ (طلاق:آیه۶)، بیان شده که زوج مکلّف به تملیک مسکن زوجه نیست، بلکه از طریق اجاره یا أخذ عاریه نیز غرض حاصل می‌شود و زوجه حق امتناع از سکونت ندارد (نجفی، ج۳۱، ص۳۲۱). البته تعیین این حق، نباید موجب سوءاستفاده و اضرار به دیگری شود. در صورتی که زوج، مسکنی را انتخاب کند که با وضع اجتماعی زوجه و نیازهای خانواده متناسب نباشد و یا از روی عمد و به قصد اذیت زوجه، محل سکونت را طوری انتخاب کند که زوجه از خانواده خود دور باشد، سوءاستفاده از حق کرده و موجب ضرر معنوی و آسیب روحی به زوجه شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ج۱، ص۲۱۶؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۶ـ۸۷).

اگر در تعیین محل سکونت که حقی مشترک بر زوجین است، تزاحم صورت گیرد و زوجه از سکونت مشترک امتناع ورزد، زوج می‌تواند در برابر تخلف زوجه، از دادن نفقه امتناع کند. در مقابل، اگر زوج از سکونت مشترک امتناع کند، زوجه نیز حق دارد به سبب ترک زندگی مشترک و سوء معاشرت، برای رفع ضرر از محکمه تقاضای طلاق کند (مهاجری، ۱۳۹۷، ص۸۸). همچنین اگر میان حق تعیین مسکن زوجه با حق قوامیت یا حق تمکین زوج، تزاحم صورت گیرد، به استناد قاعده لاضرر، ریاست شوهر در جهت حفظ بنیان خانواده اهم بوده و مقدم می‌گردد. همچنین در تزاحم تمکین و تعیین مسکن، حق تمکین زوج مقدم می‌شود، زیرا عدم تمکین موجب ضرر بر زوج و حتی زوجه و

بنیـان خانواده می‌شـود؛ چراکـه امکان برقـراری هرگونه رابطه زوجیت، سـلب می‌گردد و موجب ضرر به دیگری است، لذا حق زوج تقدم می‌یابد (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۵۱؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۴).

۳ـ ۳. کاربرد قاعده لاضرر در رفع تزاحم حقوق متقابل اقتصادی زوجین

در ایـن بخـش بـه کاربـرد قاعده لاضـرر در رفـع تزاحم حقـوق متقابل اقتصـادی زوجین می‌پردازیم.

۱ـ ۳ـ ۳. حق پرداخت نفقه

قرآن در بحث نفقه بیان می‌دارد: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾؛ «کسـی کـه صاحـب مکنـت اسـت باید از مکنت خویـش نفقـه بدهد و هرکس روزی او تنگ شـده، باید ازآنچه خداوند بـه او داده انفاق کند. خداوند هیچ‌کس را بیش از آنچه به او داده مکلف نمی‌سازد» (طلاق:۷).

در برخـی مـوارد زوج به قصد اضرار زوجه، از پرداخت نفقه امتناع می‌کند و موجب سـتم بر او می‌گردد. شـیخ حسین حلی نیز با استناد به ﴿وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا﴾ (بقره:۲۳۱)، اظهار می‌دارد که هر نوع نگهداری همسـر که باعث ضرر و زیان زوجه شـود، مشـروع نیسـت؛ خواه این ضرر ناشـی از کوتاهی اختیاری شـوهر باشـد یا غیراختیاری باشد، مثل عنن شوهر یا عجز و عدم قدرت او بر انفاق. در فرض تحقق نشوز زوجه، زوج می‌تواند در برابر سوء معاشرت زوجه از دادن هزینه‌های زندگی به زوجه امتناع کند (بحر العلوم، ۱۴۱۵، ج۲، ص۱۸۶؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۱۲۸). بنابر نظر مشهور فقها، وجوب نفقه مشروط به عدم نشـوز زوجه اسـت. همچنین، طبق آیه ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء:۱۹)، زوجین موظف به حسن معاشرت هستند، لذا در صورت سوءمعاشرت زوجه، نفقه به وی تعلق نمی‌گیرد (طباطبایی، ج۱۰، ص۵۳۰؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۷۳؛ رضائیان، ۱۳۹۴، ص۲۵).

۲ـ۳ـ۳. حق مهریه

مهریه از حقوق زوجه است و بر زوج واجب است که مهر زن را به‌طور کامل بپردازد. قرآن کریم در آیه ﴿وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾(نساء: ۱۰۴)، از مهر به «صداق» تعبیر نموده است که زوج باید آن را به‌صورت نحله و عطیه به زوجه بپردازد (نجفی، ۱۴۰۴، ج۳۱، ص۳۳۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج، ص۹۵؛ مهاجری، ۱۳۹۷، ص۱۱۷).

در موارد تزاحم در حق نفقه و حق حبس و تمکین جنسی زن، بنابر نظر فقه و قانون، با تمسک به قاعده لاضرر، حق حبس زن بر حق تمکین مرد مقدم می‌شود و زوجه می‌تواند تا زمانی که مهریه را دریافت نکرده است، از تمکین خودداری کند و این امتناع، مسقط حق نفقه نخواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴، ج۳۱، ص۱۹۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج۲، ص۳۱۳؛ جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۳۷). در روایتی از سماعه بیان شده است: «از امام علیه‌السلام دربارهٔ مردی که همسرش پس از عقد، مهرش را بر او حلال کرده است سؤال شد که آیا رواست پیش از اعطای چیزی به او با وی آمیزش نماید؟ امام علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: **نعم اذا جعلته فی حل فقد قبضته منه**؛ آری وقتی زن مهرش را بر مرد حلال کرده است، مانند آن است که زن مهرش را قبض کرده است» (حر عاملی، ۱۳۲۳، ج۱۵، ص۵۱). تقریب استدلال آن است که امام علیه‌السلام فرمود: «اگر زن مهرش را بر مرد حلال کرد، به‌منزلهٔ آن است که آن را گرفته است. بنابراین می‌تواند با وی آمیزش نماید». پس مفهوم بیان امام این خواهد بود که اگر زن مهرش را قبض نکرده باشد، بر مرد روا نیست با وی آمیزش نماید (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص۳۹).

نتیجه‌گیری

تزاحم به معنای مزاحمت دو حق با یکدیگر در مقام امتثال است، به‌صورتی که امکان انجام هر دو وجود ندارد. با شکل‌گیری خانواده، مجموعه حقوق متقابلی برای زوجین به وجود می‌آید و در مواقعی این حقوق با هم تزاحم می‌یابند. در فقه و قانون، حقوقی همچون حق طلاق، حق جنسی، اشتغال، خروج از منزل، حق تعیین مسکن، ریاست شوهر، نفقه، مهریه و غیره برای زوجین بیان شده است. گاهی در مقام امتثال، حق یکی از زوجین با حق دیگری تزاحم می‌یابد؛ مانند تزاحم میان حق اشتغال زوجه و حق قوامیت زوج. حق اشتغال برای زوجه، حقی ذاتی است. وی به‌عنوان فردی از اجتماع حق دارد به شغل مورد علاقه خود بپردازد، اما این حق تا زمانی است که به مصالح و منافع خانواده آسیب وارد نشود. از طرف دیگر، زوج بر خانواده حق قوامیت دارد و می‌تواند در مواردی که با منافع خانواده منافات دارد، زوجه را از اشتغال منع کند. در این وضعیت، هریک از طرفین درصدد اجرای حق خود هستند، اما این حقوق در مقام انجام، تزاحم یافته‌اند. به‌منظور رفع تزاحم، می‌توان به قاعده لاضرر تمسک جست. لاضرر یکی از قواعد مهم و پرکاربرد فقهی است که حکم ضرری را نفی می‌کند و بیان می‌دارد که در اسلام، ضرر زدن به خود و دیگران نهی شده و حرام است. با تمسک به این قاعده، حق زوج بر حق زوجه، در راستای نفی ضرر از زوج و خانواده، مقدم می‌شود. در سایر حقوق متقابل زوجین که در مقام امتثال تزاحم می‌یابند نیز با بهره‌گیری از قاعده لاضرر به‌منظور جلوگیری از ورود ضرر به هر یک از زوجین و حفظ و تدام بنیان خانواده، می‌توان تزاحم را رفع نمود.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳. احمدی، سیدمهدی و سلیلی، سید علی(۱۳۸۹ش)، «بررسی فقهی مسئله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر»، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، ش۲۲.

۴. اصفهانی، فتح‌الله (۱۴۰۶ق)، قاعده لاضرر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۵. افرام بستانی، فؤاد (بی‌تا)، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی.

۶. بحرالعلوم، عزالدین (۱۴۱۵ق)، بحوث فقهیه (تقریرات آیت‌الله شیخ حسین حلی)، قم: المنار.

۷. بحرانی، یوسف‌بن‌احمدابراهیم (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۸. توجهی، عبدالعلی، زهرا حق‌محمدی‌فرد (۱۳۹۰ش)، «فعالیت‌های اجتماعی زن و تزاحم آن با حقوق زوج با تأکید بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی﵀»، پژوهش‌نامه متین، ش۵۲.

۹. جُبَعی العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.

۱۰. ـــــــــ، (۱۳۸۳ش)، تحریر الروضة فی شرح اللمعة الدمشقیه، تهران: سمت.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله (بی‌تا)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، بی‌جا: بی‌نا.

۱۲. جهان‌دیده، انسیه (۱۳۹۲ش)، «تزاحم حقوق زوجین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱۳. حر عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه التحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۱۴. الحلّی (فخرالمحققین)، محمدبن‌حسن‌بن‌یوسف (۱۳۳۷ق)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۵. الحلّی (محقق حلی)، نجم‌الدین جعفربن‌حسن (۱۴۲۳ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان.

۱۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، صراط النجاة، قم: مکتب نشر المنتخب.
۱۷. ـــــــــ (۱۴۱۹ق)، دراسات فی علم الاصول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۱۸. رضائیان، ایمان (۱۳۹۴ش)، «بررسی تأثیر قاعده لاضرر بر حقوق متقابل زوجین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
۱۹. روحانی، صادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق، قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه‌السلام.
۲۰. سهرابی، حسین (۱۳۹۱ش)، «بررسی قاعده تزاحم در روابط زوجین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق.
۲۱. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۸۳ش)، کتاب النکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
۲۲. شعرباف‌چی‌زاده، مرضیه و همکاران (۱۳۹۹ش)، «تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی»، دوره ۱۴، ش۵۰.
۲۳. مصدق صدقی، صدیقه (۱۳۸۳ش)، «نفقه زوجه در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه»، مجله علمی تخصصی رهنمون، سال سوم، ش۱ـ۲.
۲۴. طباطبایی حکیم، محسن (۱۴۰۴ق)، مستمسک بالعروة الوثقی، قم: منشورات آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۵. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۶. علایی رحمانی، فاطمه (۱۳۸۳ش)، «بررسی تحلیلی قوامیت در آیه الرجال قوامون علی النساء»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش۱.
۲۷. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: مؤسسه دارالهجره.
۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶ش)، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۹. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۵ش)، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، بی‌جا: بی‌نا.
۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۷ش)، میزان الحکمه، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
۳۱. محمدی، مرتضی (۱۳۸۳ش)، «تمکین قدرت زنان یا خشونت مردان»، مطالعات راهبردی زنان، ش۲۳.
۳۲. معلوف، لوییس (بی‌تا)، المنجد فی اللغه العربیه المعاصره، بیروت: بی‌نا.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲ش)، قواعد الفقهیه، قم: دارالعلم.
۳۴. ـــــــــــ، (۱۳۸۵ش)، کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۵. مکی العاملی، محمدبن‌جمال‌الدین (شهید اول) (بی‌تا)، القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول العربیه، قم: مکتبه مفید.
۳۶. ـــــــــــ، (۱۳۸۶ش)، اللمعة الدمشقیة، علیرضا فیض و علی مهذب، تهران: دانشگاه تهران.
۳۷. موسوی الاصفهانی، ابوالحسن (۱۳۵۲)، وسیلة النجاة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.
۳۸. موسوی الخمینی، روح‌الله (۱۴۲۲ق)، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. مهاجری، مریم (۱۳۹۷ش)، «بررسی ظرفیت فقهی قاعده لاضرر در رفع ضرر و زیان ناشی از روابط زوجین»، پایان‌نامه سطح سه، قم: جامعة الزهراء.
۴۰. ـــــــــــ، (۱۳۹۱ش)، بازخوانی ظرفیت فقهی قاعده لاضرر در انحلال نکاح، تهران: کانون.
۴۱. نجفی، زین‌العابدین (۱۳۹۱ش)، «خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۵، ش۲.
۴۲. نجفی، محمدحسن‌بن‌باقر (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.
۴۳. نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۶ش)، «سوءاستفاده از حق در حقوق خانواده از منظر فقه امامیه و حقوق ایران»، تهران: ندای صادق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۴۴. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی (۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۴۵. ولایی، عیسی (۱۳۸۷ش)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی.
۴۶. هادوی، فاطمه (۱۳۹۶ش)، «بررسی فقهی و حقوقی تزاحم حقوق اجتماعی زن با حقوق همسر و فرزندان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۴۷. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۲ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام.
۴۸. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۱۳۱ق)، العروه الوثقی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.